



قرآن پیام‌محور و عقلانی است / تلقی زبان‌محور از قرآن؛ دلیل کاربرد پُرانتز در ترجمه

برخی مترجمان با افزودن پُرانتز کوشیده‌اند تا معنای آیات را مفهوم سازند، درحالی‌که مضمون بسیار روشن است؛ به نظر من، تنها دلیل این‌که نمی‌توانیم پیام آیات را با وضوح بیان کنیم، آن است که بیش از این‌که قرآن را پیام‌محور بدانیم، زبان‌محور می‌دانیم.

برخی مترجمان با افزودن پُرانتز کوشیده‌اند تا معنای آیات را مفهوم سازند، درحالی‌که مضمون بسیار روشن است؛ به نظر من، تنها دلیل این‌که نمی‌توانیم پیام آیات را با وضوح بیان کنیم، آن است که بیش از این‌که قرآن را پیام‌محور بدانیم، زبان‌محور می‌دانیم.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، چندی پیش سیدیحیی یثربی، از قصد خود برای عرضه ترجمه‌ای از قرآن کریم خبر داد؛ ترجمه‌ای روان و بدون پُرانتز از قرآن که با این هدف در اختیار مردم قرار خواهد گرفت که مردم از قرآن دور نیفتند. به همین مناسبت، این مفسر قرآن، نکاتی درباره ترجمه قرآن و مقایسه تطبیقی ترجمه‌های قرآن را در قالب یادداشت در اختیار ایکنا قرار داده است و بخش نخست این یادداشت که بحثی در باب زبان قرآن است از نظر خوانندگان می‌گذرد.

امکان فهم و ترجمه متون مقدس

یکی از مشکلات مردم در ارتباط با متون مقدس، مسئله‌ای امکان فهم و ترجمه‌ی آن‌هاست. هدف این نوشته آن است که مشکلی را که در ترجمه‌ی قرآن به زبان فارسی وجود دارد، توضیح داده و به حلّ و رفع آن مشکل بپردازیم. پیش از هر چیز به نمونه‌ای از ترجمه‌ها توجه کنیم. مضمونی را که برای هر خداشناسی، یک مضمون آشناست در آیه 31 از سوره‌ی یونس در ترجمه‌ها چنین می‌خوانیم:

بگو: «کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌بخشد؟ یا کیست که حاکم بر گوش‌ها و دیدگان است؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده خارج می‌سازد؟ و کیست که کارها را تدبیر می‌کند؟» خواهند گفت: «خدا» پس بگو: «آیا پروا نمی‌کنید؟» (فولادوند)

بگو: «چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا چه کسی مالک (و خالق) گوش و چشم‌هاست؟ و چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و چه کسی امور (جهان) را تدبیر می‌کند؟» بزودی (در پاسخ) می‌گویند: «خدا»، بگو: «پس چرا تقوا پیشه نمی‌کنید (و از خدا نمی‌ترسید)؟! (مکارم)

بگو چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی می‌رساند یا کیست که بر گوش و دیدگان (شما) چیرگی دارد و چه کسی زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد و چه کسی امر (آفرینش) را کارسازی می‌کند؟ خواهند گفت: خداوند بگو پس آیا پرهیزگاری نمی‌ورزید؟ (گرمارودی)

در این ترجمه‌ها با باز کردن و بستن پُرانتز و افزودن کلماتی، بر آن کوشیده‌اند تا آیه را مفهوم سازند درحالی‌که مضمون این آیه بسیار روشن و رساست و به این کارها نیازی نیست. پیام این آیه این است:

بگو: آن کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد و چشم و گوش می‌بخشد و مرده را زنده می‌کند و زنده را می‌میراند و کار جهان را تدبیر می‌کند؟ خواهند گفت: آن، خداوند است! بگو: پس چرا از او پروا ندارید؟! اکنون باید دید که چرا ما این پیام را نمی‌توانیم با وضوح بیان کنیم؟ به نظر من، تنها دلیل این کار آن است که ما بیش از این‌که قرآن را پیام‌محور بدانیم، زبان‌محور می‌دانیم.

قرآن: زبان‌محور یا پیام‌محور؟

این زبان‌محوری، به نظر من، از آنجاست که اعجاز قرآن را بیشتر به زبان قرآن مربوط می‌دانیم! بنابراین فکر می‌کنیم که اگر به رعایت لفظ قرآن دقت نکنیم، خطا می‌کنیم و به ارج و اعتبار قرآن آسیب می‌زنیم! در صورتی‌که قرآن به خاطر عدم اختصاص دعوتش به عرب‌ها، باید یک کتاب پیام‌محور باشد؛ و اعجاز آن نیز بیش از لفظ در محتوای آن و پیامش باشد. بنابراین، قرآن باید از دو ویژگی برخوردار باشد:

یکی، عقلانیت که نیرویی فراگیر و همگانی انسان‌هاست.

دیگری، معنا و پیام‌محوری که برای همه‌ی انسان‌ها قابل درک و داوری باشد.

در توضیح این موضوع باید توجه داشت که متن‌ها به دو قسم کاملاً متفاوت قابل تقسیم‌اند:

1- عقلانی و پیام‌محور

نخست باید دید که یک متن، عقلانی است یا غیرعقلانی؟ متن عقلانی آن است که هر کس بتواند با خواندن آن، محتوایی را که مقصود آن متن است، دریابد. مانند این گزاره‌ها: من تشنه‌ام. تو از شیراز بازگشتی. محمود با من فارسی صحبت کرد و... اما متن غیرعقلانی متنی است که گوینده‌ی آن، از حالات و تجاربی سخن گوید که دیگران به آن حالات و تجربه‌ها دسترسی ندارند. مانند گزاره‌های زیر: یکی هست و هیچ نیست جز او. چون غرق است در بی چون. من بی‌دهان خندیده‌ام. بودم آن روز من از طایفه‌ی دردکشان/ که نه از تاک نشان بود و نه از تاکنشان

...

چه کسی از یک عارف و درویش می‌پذیرد که: یکی هست و هیچ نیست جز او؟

مثلاً اگر شبستری در مورد اثبات وجود خدا، می‌گوید:

زهی نادان که او خورشید تابان/ به نور شمع جوید در بیابان!

اما کسانی مانند ابن‌سینا و ارسطو کی و کجا، چیزی را که مانند خورشید نمایان است با چراغ جستجو کرده‌اند؟ اینان اثبات وجود خدا را نیازمند دلیل دیده‌اند که به سراغ دلیل رفته‌اند. این‌که خدا مانند خورشید تابان نمایان است برای همگان مفهوم نیست.

بنابراین، متون عقلانی، برای همگان قابل فهمند اما متون غیرعقلانی و رمزی را همگان نمی‌توانند درک کنند.

از طرف دیگر برخی متن‌ها معنا و پیام‌محورند، مانند بیانیه‌های سیاسی و نطق‌های رسمی. اما برخی از متن‌ها لفظ‌محورند، مانند نثرهای فنی و برخی از اشعار که در آن‌ها هدف اصلی به کار بردن صنایع لفظی است.

بسیار روشن است که سخن لفظ‌محور را نمی‌توان به زبان دیگر ترجمه کرد و زیبایی‌های آن را در زبان دیگر نیز نشان داد. اما سخن پیام‌محور را می‌توان به هر زبانی ترجمه کرد و مطالب آن را با همگان در میان نهاد.

مثلاً اگر هدف جمله‌ای آن باشد که به دیگران بگوید: «ما آماده‌ی رابطه‌ی دوستانه با تمام مردم دنیا هستیم» این جمله پیام‌محور است و به همه‌ی زبان‌های دنیا قابل ترجمه است. اما اگر در شعر حافظ آمده است که: «سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند» صنعتی را که میان «چمان» و «چمن» و «سرو» و «میل» وجود دارد، ما نمی‌توانیم در زبان دیگر به وجود آوریم.

یا مثلاً خاقانی می‌گوید:

پرویز به هر خوانی زرین تره بنهادی / زرین تره کو؟ بر گو، رو «کم ترکوا؟» برخوان

بسیار روشن است که زیبایی ناشی از آمدن دو کلمه‌ی «خوان» و «برخوان» و نیز از تکرار «ترکو» در زرین تره کو؟ و «کم ترکوا؟» هنری به کار رفته است که این‌ها را در ترجمه نمی‌توان منتقل کرد.

با این مقدمات، به این نتیجه می‌رسیم که باید در فهم قرآن و ترجمه آن به زبان‌های دیگر، به این دو ویژگی توجه داشته باشیم که عبارتند از:

- عقلانی بودن.

- پیام‌محور بودن.

از آن‌جا که قرآن کریم برای راهنمایی همه‌ی انسان‌ها نازل شده است، باید متنی عقلانی و پیام‌محور باشد. همگان باید به قرآن مراجعه کنند و از قرآن بیاموزند و به آن ایمان آورند. این مطلب به دلایل متعدد عقلی و شرعی امکان دارد که نخست مواردی از آن‌ها را در ارتباط با عقلانی بودن و نیز پیام‌محور بودن قرآن می‌آوریم. سپس دلیل ویژه‌ای برای پیام‌محور بودن قرآن نیز ذکر می‌کنیم.